

مناسب‌تری تلقی می‌شود و هیچ مشکلی در تبدیل آب شور آن به شیرین وجود ندارد. ما می‌توانیم ساحل جنوبی خود را از این طریق سرسبز و شهرک‌های جدیدی ایجاد کرده و توزیع جمعیتی را از نظر جغرافیایی متعادل کنیم.

چگونه ممکن است از این طریق تناسب جمعیتی جغرافیایی در مناطق کشور داشته باشیم و حیات را به برخی مناطق بیاوریم؟

همانطور که برخی کشورهای حوزه خلیج فارس توانستند و اجرا کردند، به یاد داشته باشیم که جزایر خشکیده امارات متحده عربی در جنوب خلیج فارس و برخی مناطق مهجور مانده در این خلیج به واسطه بکارگیری از همین فناوری، زیست جدید خود را تجربه می‌کنند، حال چطور

کشورهای جنوب خلیج فارس که سرزمین خشک و سوزانی هستند با استفاده از این فناوری توانستند سرزمین‌های سیراب و سرسبز ایجاد کنند؟ پس این ظرفیت برای ما هم وجود دارد اما در این زمینه، مهم سرمایه‌گذاری حساب شده و بهره‌گیری حداکثری از امکانات است. در مورد منابع آب داخلی هم باید استفاده بهینه از آن منابع را داشته باشیم و روش‌های مصرف را اصلاح کنیم که این شامل آب شرب، آب مصرفی در کشاورزی و صنعت می‌شود.

به طور مثال در منابع آب استان تهران که غالباً از طریق آب سدها تامین می‌شود و به استناد نظر کارشناسان یکی از با کیفیت‌ترین آب‌های مصرفی است به طوری که اگر همین آب در اختیار کشورهای دیگر بود به طور قطع آن را در بطری‌های نوشیدنی در فروشگاه‌ها به مشتریان عرضه می‌کردند، شاهد هستیم که برای مصارف شستشو و حتی مصارف صنعتی و کشاورزی

استفاده می‌شود؛ در صورتی که این آب یک سرمایه ملی است و به راحتی می‌توان آن را به عنوان یک محصول تجاری در بازارهای خارجی به فروش رساند.

با این حال اکنون چون مصرف داخلی زیاد است می‌گوئیم همین آب مصرفیمان باشد اما باید با برنامه‌ریزی و اجرای به موقع، آب

مصارف کشاورزی، صنعتی و شستشو را از منابع دیگری تامین کنیم تا هزینه‌های کمتر و بهره‌وری بیشتری حاصل شود. به گونه‌ای رفتار کنیم که کمترین هزینه و بیشترین فایده را داشته باشد.

به نظر شما در وهله نخست چه تمهیداتی باید اندیشید تا ضمن کم شدن هزینه بیشترین فایده را داشته باشیم؟

در مورد آب مورد نیاز صنعت ابتدا باید اقداماتی در زمینه ساماندهی موقعیت صنایع انجام شود، به این معنی که صنایع ما باید در جاهایی قرار بگیرند که دسترسی به آب به طور گسترده وجود داشته باشد، البته متأسفانه به این مهم در بسیاری از موارد توجه نشده است، به طور مثال در استان اصفهان که صنعت بزرگ ذوب

فلزات اعم از فولاد و آهن وجود دارد مصرف بالای آب به یک معضل جدی برای استان مبدل شده است و لذا آب برای کشاورزی و مصرف شرب در استان به مخاطره بیفتد و استان اصفهان که در گذشته پرآب بوده اکنون دچار بحران شود و چنین مواردی در استان‌های دیگر هم مشاهده می‌شود.

پس باید صنایع را ساماندهی کنیم تا در مصرف آب صرفه‌جویی شود، به خصوص صنایعی که تولیدات آن قابل صادرات است باید در مراکزی قرار بگیرد که علاوه بر دسترسی به منابع آب مناسب، هزینه حمل و نقل‌ها نیز کاهش یابد، خب این نیاز به آمایش سرزمین دارد.

در مورد مصارف کشاورزی نیز باید بگویم در حال حاضر حدود ۹۲ درصد آب کشور اختصاص به این حوزه دارد که به طور سیلابی و غرقابی مورد مصرف قرار می‌گیرد.

اگر ما بتوانیم با اصلاح سیستم آبیاری، روش فعلی را به روش آبیاری قطره‌ای و سیستم تحت فشار ارتقا بدهیم، هم قادر خواهیم بود چند برابر ظرفیت فعلی بهره‌مندی حاصل کنیم و هم مقدار آب مصرفی کشاورزی را به نحو چشمگیری کاهش دهیم.

طبق قانون هدفمندی مقرر شده در

طول اجرای این قانون قیمت تمام شده آب از مردم اخذ شود، آیا نباید برای کنترل مصرف و جلوگیری از بحران ارزش واقعی آب را در نظر بگیریم؟ در قانون هدفمندی یارانه‌ها به این اشاره شده و در متن آن مندرج است که ارزش اقتصادی واقعی آب باید مدنظر قرار گیرد و طی ۵ سال باید به قیمت تمام شده برسیم. البته حرکت در این مسیر با وقفه روبرو شد و ما نتوانستیم این حرکت را به طور مداوم ادامه بدهیم. براین اساس لازم است طی سه سال باقی مانده این مهم پی‌گیری شود.

قانون هدفمندی در بخش آب کشاورزی چه تکلیفی را برای دولت مقرر کرده است؟

قانون در این بخش تاکید دارد هزینه بخش کشاورزی برای آب باید تامین شود تا برای کشاورزان به صرفه باشد و این طور نباشد که همانند قیمت آب شرب خانوار، هرساله بالا برود و رشد یکسانی داشته باشد؛ به همین خاطر قانون در این زمینه ملاحظه بیشتری نسبت به کشاورز داشته است و گفته شده با توجه به ضرورت حمایت از بخش کشاورزی اصلاح قیمت صورت بگیرد اما در این میان روش‌های دیگری برای کاهش مصرف باید مدنظر گرفت که بدان اشاره شد.

قوانینی که مجلس برای کاهش مصرف و کنترل قیمت آب در نظر گرفته چیست؟

مصوباتی که ما در زمینه قانون هدفمندی داشته‌ایم ترکیبی است از سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی؛ آن اشاره‌ای که بنده نسبت به اصلاح قیمت‌های حامل‌های انرژی و آب کردم، در برگرفته سیاست‌های قیمتی و مواردی که در رابطه با اصلاح روش‌ها مانند بهره‌برداری از منابع، در بخش سیاست‌های غیرقیمتی است؛ با این حال از نظر ما حتی روش‌های سهمیه‌بندی هم می‌تواند به عنوان یکی از راه‌ها، مورد توجه قرار گیرد.

آیا می‌توان برای اصلاح الگوی مصرف، روش‌های مورد نظر کشورهای دیگر را مورد توجه قرار داد و خود را با آن‌ها قیاس کنیم؟

الان نمی‌شود قیاس کرد چرا که ما فاصله زیادی با آن‌ها داریم، چرا که روش آنها پی‌گیری قیمت تمام شده است که این خود مشوق کشف راهکارهایی می‌شود که موجب بالا رفتن تولیدات آب و کاهش مصرف است. با این حال قانونگذار به روش‌های مختلف توجه داشته و در این زمینه از کارهای پژوهشی نیز بی‌بهره نبوده است، بر این اساس این ضرورت را در مواد قانونی مورد تاکید قرار داده‌ایم که در مصرف آب به نقطه‌ای برسیم که دیگر برای هزینه‌های مصرف آب دیگر یارانه را در نظر نگیریم.

قانون در این بخش تاکید دارد هزینه بخش کشاورزی برای آب باید تامین شود تا برای کشاورزان به صرفه باشد و این طور نباشد که همانند قیمت آب شرب خانوار، هرساله بالا برود

مصوباتی که ما در زمینه قانون هدفمندی داشته‌ایم ترکیبی از سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی است؛ اصلاح قیمت‌های حامل‌های انرژی و آب در برگرفته سیاست‌های قیمتی و اصلاح روش‌ها مانند بهره‌برداری از منابع و سهمیه در بخش سیاست‌های غیرقیمتی است

این ضرورت را در مواد قانونی مورد تاکید قرار داده‌ایم که در مصرف آب به نقطه‌ای برسیم که دیگر برای هزینه‌های مصرف آب دیگر یارانه را در نظر نگیریم